روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی ها: ۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵، امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ: ■ افست: کیلومتر ۴ جاده آبعلی، روبه روی خیابان سازمان آب، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳
■ طوطی: خیابان مصطفی خمینی، بعد از چهارراه سرچشمه، پلاک ۶۹۰، تلفن: ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن: ۷-۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال چهارم ■ شماره ۸۴۱ ■ پنج شنبه ۲ شهریور ۱۳۸۵ ■ ۲۹ رجب ۱۴۲۷ ■ ۲۴ آگوست ۲۰۰۶

آبادان	۳۳+۴۷	بیرجند	۲۵+۳۳	سنندج	۲۵+۳۴	همدان	۲۴+۳۶
اراک	۲۴+۳۴	تهران	۲۸+۳۵	شهرکرد	۲۳+۳۲	یاسوج	۲۶+۳۴
اردبیل	۲۵+۳۱	تبریز	۲۷+۳۳	شیراز	۲۷+۳۶	یزد	۲۵+۳۴
ارومیه	۱۷+۳۰	خرم‌آباد	۲۷+۳۹	قزوین	۲۵+۳۲	دبی	۳۵+۴۰
اصفهان	۲۵+۳۳	رشت	۲۸+۳۳	کرمان	۲۴+۳۴	نجف	۴۱+۴۵
اهواز	۳۲+۴۸	زاهدان	۲۶+۳۳	کرمانشاه	۲۵+۳۷	مکه	۳۵+۴۲
ایلام	۲۹+۳۷	زنجان	۲۴+۳۴	کاشان	۲۶+۳۶	مدینه	۳۷+۴۱
بجنورد	۲۶+۳۳	زابل	۲۹+۴۰	کیش	۳۳+۳۸	لندن	۱۴+۲۱
بندرعباس	۳۱+۴۰	ساری	۲۷+۳۰	گرگان	۲۷+۳۹	پاریس	۱۴+۲۲
بوشهر	۳۳+۳۶	سمنان	۲۶+۳۴	مشهد	۲۶+۳۳	استانبول	۲۰+۳۰

تهران: اذان ظهر ۰۸: ۱۲ اذان مغرب ۰۶: ۱۹ اذان صبح فردا ۵۸: ۳ طلوع آفتاب ۳۰: ۵

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

سریال خانه ما	سه	۱۲/۳۰
سریال راه شب	سه	۱۳/۴۰
سریال قصه های جزیره	دو	۱۴/۰۰
سریال نسیم وصل	یک	۱۵/۱۰
سینمایی فرار نیمه شب	سه	۲۰/۱۵
سریال نرگس	سه	۱۸/۰۰
سریال شوگان	پنج	۱۹/۰۰
سینمایی آتش وحشی	یک	۲۲/۳۰
سریال عکاسخانه	دو	۲۱/۰۰
سریال نرگس	سه	۲۲/۴۵
سریال مرکز پزشکی	پنج	۲۳/۰۰

تلویزیون فردا

سینمایی خط سریع آبی	پنج	۱۳/۳۰
سینمایی هفت سنگ	یک	۱۶/۳۰
سینمایی میمون آهنین	دو	۱۸/۰۰
سینمایی سرکو	چهار	۲۰/۳۰
سریال پاندروسا	دو	۲۱/۰۰
سینما جشنواره	پنج	۲۱/۰۰
سریال دایره تردید	یک	۲۲/۱۰
من روبوت هستم	سه	۲۳/۳۰
سریال نرگس	سه	۲۲/۴۵

سینمای امروز

به نام پدر

قدس، ایران، بلوار، فلسطین ۱، فرهنگ۱، کارون جمهوری، گلریز ۱، مرکزی۱، جی۱، پایتخت حافظ، دهکده، بهمن، شیدا، ملت و تهران

کافه ستاره

فرهنگ۲، آفریقا، آسیا، عصر جدید۲، پارس۱ کانون، قدس، قیام، جوان، المپیا، فردوس شاهد، سپیده، ایران و ناهید

زن بدلی

استقلال، جی ۲، سعدی، شاهد، سپیده۲، کوثر و فلسطین

سرود تولد

عصر جدید۱، جی۲، آستارا، صحرا، پیروزی تهران، شیرین، مرکزی و شهر قشنگ

تجسمی امروز

نمایشگاه نقش برجسته های مسی

نگارخانه پارت ۸۸۸۷۸۳۵۲۰

نمایشگاه آثار حجمی (سنگ و فلز)

نگارخانه پاسارگاد ۲۲۵۴۰۴۰۷

نمایشگاه نقاشی گروهی

نگارخانه طراحان آزاد ۸۸۰۰۸۶۷۶

نمایشگاه گروهی نقاشی

نگارخانه فام ۲۲۵۹۴۸۴۰

نمایشگاه نقاشی گروهی

نگارخانه ابن سینا ۸۸۳۶۶۳۶۷

نمایشگاه کاریکاتور حسام فطرتی

خانه کاریکاتور ۲۲۸۶۸۶۰۰

نمایشگاه نقاشی آب مرکب

فرهنگسرای ملل ۲۲۲۰۴۴۵۳

نمایشگاه عکس های قدیمی آتلیه ای

موزه عکاسخانه شهر ۲۲۸۶۸۶۰۰

نمایشگاه نگارگری

فرهنگسرای هنر ۸۸۸۶۴۸۱۸

تئاتر امروز

لیلی و مجنون

تالار وحدت- ۱۹/۳۰

سلامان و ابسال

سالن اصلی تئاتر شهر- ۱۹/۳۰

پرتره

سالن چهارسو تئاتر شهر- ۱۶

خبر آخر

حاشیه سیاست

لخ والسا از اتحادیه همبستگی جدا شد
مخترع انقلاب‌های مخملی

فرزانه روستایی: اگر تحولات اروپای شرقی را برای خوانندگان ادبیات سیاسی جالب و جذاب بدانیم، به لحاظ اینکه اروپای شرقی اصلی ترین صحنه نبرد لولوی کمونیسم و غول امپریالیسم بوده است، سیمای سیاسی لخ والسا، این تکنسین سبیلو یکی از جذاب ترین شاخص های این حوزه به شمار می رود. این روستایی زاده که به تدریج یک فعال کارگری شد در سال ۱۹۴۳ به عنوان تکنسین برق مجتمع کشتی سازی گدانسک استخدام شد بعد از حدود ۳۰ سال یعنی تا اوایل ۱۹۸۰ با متحد کردن جریانات کارگری و رهبری اتحادیه همبستگی عملاً همه کارخانه های لهستان را تقریباً در مشت خود داشت و اتحادیه کارگری او ۱۰ میلیون عضو پای کار داشت. می گویند او کسی است که پرده آهنین اروپای شرقی کمونیسم را درید و نقش عمده ای در آغاز دورانی دارد که به آن Post Communism (بعد از کمونیسم) می گویند. این قدر عمده که در وسط مبارزه علیه دولت در سال ۱۹۸۳ جایزه اصلی نوبل به او اختصاص یافت. وقتی با کمک لخ والسا یخ ها زیر پای کمونیسم لهستان شکست، ترک زیر پای بقیه رژیم های کمونیستی دیگر کاملاً مشهود بود. شیوه مبارزه او طوری بود که شاید بتوان او را خالق «انقلاب های مخملی» دانست که هنوز که هنوز است پرزهای آن این طرف و آن طرف می نشیند. لخ والسا زمانی با اتحادیه کارگری خود پنجه در پنجه دولت کمونیستی لهستان انداخت که هر لحظه ممکن بود ارتش روسیه با یک یورش از شرق تا غرب لهستان را جاروب کند. می گویند او متخصص آتش زدن جمعیت های هیجان زده بوده است و از این خصیصه به خوبی برای پیغام دادن به اتحاد شوروی بهره می برد. به دلیل همین روحیه شورش گری و ناسازگاری با دولت کمونیستی یک بار ۱۱ ماه را در زندان به سر برد. بالاخره ۱۹۹۸ دولت کمونیستی مجبور به مذاکره با لخ والسا رئیس اتحادیه کارگری شد و بر سر یک انتخابات آزاد توافق شد. یک باره بعد از ۴۰ سال یک نخست وزیر غیرکمونیست در لهستان روی کار آمد که شاید به معجزه بیشتر شبیه بود. شاید آن تحول را آن طور که لنین می گوید بتوان به قطره ای مانند دانست که فنجان اروپای شرقی را لبریز کرد. در سال ۱۹۹۰ جنجالی ترین بخش زندگی والسا شروع شد و آن وقتی بود که به دیگر سران اتحادیه همبستگی اعلان جنگ داد و علیه زمزمه های کنار آمدن اتحادیه کارگری با دولت کمونیستی فعال شد. به قول خودش با جمله «نمی خواستم ولی مجبور شدم» در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرد و تا ۱۹۹۵ این کارگری که می گفت «افتخارم این است تا حالا کتاب نخوانده ام»، یک دفعه رئیس جمهور کشور لهستان شد. وقتی برای دومین بار نامزد ریاست جمهوری شد انتخابات را به الکساندر کوانویسکی کمونیست سابق باخت. اما در انتخابات سال ۲۰۰۰ یک معجزه جدید به نام لخ والسا ثبت شد و آن اینکه فقط یک درصد مردم به والسا رای دادند یعنی ۹۹ درصد رای دهندگان به او نه گفتند. او واقعاً رهبر یک جنبش کارگری بود که علیه یک دولت کارگری کمونیستی قیام کرد و عملاً پیروز شد. اما همانند همیشه سرمست ویران کردن نظام سیاسی منجر به سرگیجه حفظ اتحاد و طی کردن دوران سازندگی و اصلاحات سیاسی می شود. این همان چیزی است که لخ والسا به آن دچار شد همان طور که تجربه ذاتی همه انقلاب های پرشور و هیجان آن را نشان می دهد. دیروز لخ والسا از اتحادیه همبستگی لهستان جدا شد و راه خودش را جدا کرد. اگر یادمان نرود که در آخرین انتخابات فقط یک درصد مردم به او رای دادند کسانی مثل لخ والسا باید یک درس کلاس سیاست را دوباره مرور کنند و آن اینکه رهبران سیاسی اگر همگام با تحولات سیاسی اجتماعی جدید متحول نشوند و تغییرات ذائقه افکار عمومی را درنیابند؛ سهمی که در یک انتخابات آزاد غیرفرمایشی از رای مردم نصیبشان می شود همان یک درصد لخ والساست.

تولد

چنین کنند بزرگان

لیلا نصیری ها: نجف دریابندری را همه می شناسند. آنقدر عمر از خدا گرفته و آنقدر ترجمه و تالیف درخشان از خودش باقی گذاشته که احتیاج به معرفی نداشته باشد. دیروز تولد استاد بود، یک روز دیرتر می خواهیم به او تبریک بگوییم و این کمترین کار است. از کتاب مستطاب آشپزی گرفته تا ترجمه «هاکلبری فین» مارک تواین، همه و همه شاهدی هستند بر توانایی قلم دریابندری. اما همین آخری ها، مطلبی از استاد در ماهنامه «نگاه نو» چاپ شده بود که همه فوت و فن هنر او را در خود داشت. هر چند مطلب چیزی حدود ۲۰ سال پیش نوشته شده، اما هنوز طراوت و تازگی روزهای نوشته شدن اش را در خود داشت. این مطلب بخشی از سفرنامه دریابندری بود به کشور اتریش؛ وقتی که سهراب - فرزندش- هشت نه سالی بیشتر نداشته. خیلی ها را دیده ام که ادعای فارسی فهمیدنشان می شده، ادعا می کرده اند که فارسی را شیرین می نویسند. اما برای این دسته پرمدعا عرض کنم که حتی نوشتن یک خط مثل آنچه دریابندری در این متن نوشته کار حضرت فیل است. نوشته او چیزی دارد که روزنامه نویسان معتبر دنیا از آن به عنوان رنگ (color) یاد می کنند. نمی دانم استاد در کارنامه حرفه ای خود تجربه کار روزنامه نگاری داشته است یا نه، اما به همه دوستان و همکاران و علاقه مندانی که اهل یاد گرفتن هستند می خواهم توصیه کنم حتماً این مطلب را بخوانند. رنگی که دریابندری به حال و هوای سفرنامه اش داده چشم نواز است. ناگفته هم نماند، این مطلب یکی از شیرین ترین گزارش هایی است که در دسترس است و می شود خواند و یاد گرفت. سراغ طنز غریب استاد را می شود در همین سفرنامه گرفت و از همه مهمتر نوشتن چیزهایی که شاید صریح نوشتنشان خالی از اشکال نباشد، ولی قلم ظریف دریابندری همه آنچه را که در دل استاد بوده نگاشته، بدون آنکه مشکلی به لحاظ اخلاقی پیدا کند. اصولاً خیلی از ما ادعای همه چیزدانی داریم، تواضع هم اگر داریم فقط به قصد یک جور فخرفروشی است. اما گاهی بد نیست، پیش خودمان هم که شده اعترافی بکنیم و راه را برای رشدمان باز بگذاریم. یک وقتی مشق نوشتن از روی دست اساتید و یاد گرفتن ریز و درشت ظرایف کار آدم بزرگ ها عیب که تلقی نمی شد هیچ، حتی به احترام آدم هم می افزود. به نظرم ماهی را می شود هر وقت آدم خواست از آب بگیرد و تر و تازه هم باشد. بد نیست که هیچ، خوب هم هست که گاهی از روی دست استاد دریابندری مشق نوشت.

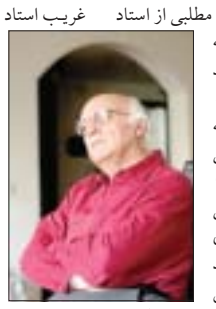

خبر روز

محدودیت‌های جدید مسافران انگلیس و آمریکا

خاطره وطن خواه: دو هفته پس از کشف ساک بمب گذاری شده در فرودگاه هیتروی لندن هنوز هم سفرهای هوایی به انگلیس تحت تدابیر شدید امنیتی صورت می گیرد. شرکت هواپیمایی هما روز گذشته در نمابر مطبوعاتی اعلام کرد که براساس تصمیم مقامات امنیتی فرودگاه های انگلیس و آمریکا از تمام مسافران خواسته شده از حمل هرگونه ساک دستی به داخل هواپیما خودداری کنند. این اطلاعیه در حالی انتشار یافته که هما پروازهای خود را به فرودگاه لندن از سر گرفته است. انتشار خبر خنثی شدن توطئه انفجار چند پرواز به مقصد آمریکا از مبداء انگلیس و دستگیری ۲۱ مظنون در این رابطه موجب شده تا اقدامات حفاظتی و امنیتی در فرودگاه های انگلیس و آمریکا همچنان ادامه داشته باشد. به همین منظور مقامات امنیتی فرودگاه های این دو کشور از مسافران محلی و عبوری (Local boarding & Transfer passengers) خواسته اند تا از حمل هرگونه ساک دستی به داخل هواپیما خودداری کنند تا در محل کنترل پرواز با مشکل مواجه نشوند. در اطلاعیه مطبوعاتی «هما» اعلام شده: هر مسافر تنها می تواند یک بسته با ابعاد حداکثر «۱۶×۳۵×۴۵» سانتی متر که داخل آن قابل رویت باشد، به داخل هواپیما ببرد. محتویات مجاز داخل بسته یاد شده شامل کیف پول که می تواند حاوی پول کارت اعتباری و کارت های شناسایی باشد، مدارک لازم مسافرت شامل گذرنامه و بلیت، داروهای ضروری که به صورت مایع مانند کیت های دیابتی و انسولین با مجوز پزشک قابل حمل در داخل هواپیما باشد، عینک طبی یا آفتابی بدون جعبه، لنز چشم بدون بطری مایع، غذای اطفال که توسط والدین در محل کنترل چشیده شود، لوازم بهداشتی مورد نیاز کودک مانند پوشک، دستمال و کیسه بهداشتی، لوازم بهداشتی ضروری مانند دستمال، حوله، پنبه و . . . برای خانم ها و کلیه لوازم الکترونیکی مانند ریموت کنترل است. در بخش دیگری از این اطلاعیه مطبوعاتی به محل مایعات نیز اشاره شده است. بر این اساس ورود مایعات شامل انواع ژل، خمیر، کرم، ترکیبی از مایعات و جامدات، بسته های فشرده مانند خمیردندان، ژل مو، نوشیدنی ها، سوپ، عطر، خوشبو کننده ها، خمیر اصلاح و . . . به داخل هواپیما ممنوع است. علاوه بر موارد فوق از تمام مسافران بازدید بدنی به عمل خواهد آمد و تمام وسایل آنان مانند کفش، عصا و صندلی چرخدار آنان توسط دستگاه X-Ray کنترل خواهد شد. هواپیمایی هما همچنین در خصوص پروازهای آمریکا به سایر نقاط دنیا اعلام کرده که منعی برای حمل ساک دستی به داخل پرواز آمریکا به سایر نقاط دنیا وجود ندارد اما رعایت مفاد فوق به خصوص در مورد حمل مایعات به داخل هواپیما الزامی است.

چه خبر

راحت و آسان طلاق بگیرید

وصال روحانی: یک شرکت آلمانی برای کسانی که در این کشور قصد طلاق گرفتن از یکدیگر را دارند، برنامه ها و کمک هایی را در نظر گرفته و مهمترین آنها به کار گرفتن کسانی تحت عنوان «مشاوران و طراحان طلاق» است. این افراد به جای اینکه مانع طلاق و جدایی افراد شوند، کارشان این است که این روند را برایشان به آسان ترین شکل درآورند. به گفته سیگ لینده ووت که مدیر این آژانس (به نام آگن تور روزن کرایگ) است، شرکت او می کوشد به زوج های در آستانه جدایی اطلاعات لازم را ارزانی دارد، آنها را نصیحت کند و تمام مراحل و کارهای مربوط به طلاق را اجرا و ساماندهی کند و حتی در روشن شدن حساب های مالی دوسو و تسویه حساب آنها نیز نقش ایفا کند. ووت به مطبوعات آلمان گفته است: «ما کاری می کنیم که رویداد بسیار سختی مثل طلاق، آسان آسان شود و دو طرف راحت پی کارشان بروند!» بد نیست بدانید خانم ووت تا به حال خودش هم سه بار طلاق گرفته است!

قهرمان سوسیس خوری مشخص شد

یک مرد ۲۷ ساله ژاپنی که نامش تاکه رو کوبایاشی است، در تورنمنت بین المللی غذاخوری در شهر شیبویگان در ایالت ویسکانسین آمریکا ۵۸ ساندویچ متوسط سوسیس را یک جا خورد و یک رکورد جدید جهانی را به جا گذاشت. حد نصاب قبلی در این زمینه با تناول ۳۴ سوسیس در دست سونیا تامس آمریکایی بود که در دوره قبلی این مسابقات به دست آمده بود. به شرکت کنندگان وقت داده شده بود تا طی ۱۰ دقیقه تا جا و حدی که می توانند سوسیس بخورند و کوبایاشی که رقبایش را له و سوسیس ها را تمام کرد، در پایان کار گفت: «چه سوسیس های لذیذی می خواهم مقداری را هم به کشورم ببرم.» اما او چهار هزار پوند جایزه نفر نخست این تورنمنت را نیز با خود به ژاپن خواهد برد. اضافه بر این براساس محاسبات، او ۱۶۸۲۰ واحد کالری و ۱۴۵۰ گرم چربی را نیز همراه با غذای سوسیس خود جذب و هضم کرد. او چندی پیش در رقابت های «هات داگ» خوری قهرمانی جهان در نیویورک نیز به رتبه نخست رسیده بود.

نگاه طراح

ظلمت در نیمروز

فیروزه مظفری

خیابان

وقتی شهر خاموش شد

مهدی افروزمنش: قطعاً همه کسانی که صبح دیروز شاهد قطع برق محل سکونت یا کار خود بودند تا الان متوجه شده اند که فقط آنها بدشانس نبوده اند و تقریباً تمامی تهران شاهد این اتفاق بودند. اما باز هم می گوییم که مطمئن شوند خارج شدن یکی از نیروگاه های تامین کننده برق تهران از مدار به دلیل نقص فنی باعث شد که حدود ۶ ساعت تمام تهران در خاموشی به سر ببرد. در این مدت هم اتفاقات جالبی افتاد مثلاً یکی از مسئولان شهرداری در آسانسور محل کارش دقایقی گیر کرد، عده بیشتری در سایر آسانسورها ماندند، مترو ساعت ها از کار افتاد و بانک ها هم تعطیل شدند. عابربانک ها هم که کاملاً از رده خارج شدند. می گویند این قطع برق می رفت که آب تهران را نیز از بین ببرد. ظاهراً دریچه های تخلیه شده به هنگام قطع برق باز بوده اند و آب در حال به هدر رفتن بوده است که البته به خیر گذشت. اما از همه اینها بدتر خاموشی چراغ های راهنمایی و رانندگی بود که ترافیک تهران را بیش از پیش تشدید کرد. از دست ماموران پلیس هم کاری برنمی آمد. بنده خداها نمی دانستند در سر تقاطع ها مستقر شوند یا به کار روزمره خود بپردازند. به هر حال پایتخت دیروز را در شرایط بحرانی به سر برد که با طولانی شدن قطع برق می توانست شدیدتر بشود. این اتفاق برای ما یک پرسش به دنبال آورد آیا این منطقی است که مراکزی از این دست که اقتصاد و امنیت شهر به آنها وابسته است از داشتن برق اضطراری برای چنین مواقعی محروم باشند. امیدواریم که پاسخ این پرسش معلوم شود. ضمن اینکه دعا می کنیم ما اشتباه کرده باشیم و اصلاً پرسشمان بی دلیل بوده باشد.

روح الله وحدتی/ ایسنا

رسانه

وزرا بر صندلی داغ تا سانسور کافه ترانزیت

زوبین زند: ۱- حتی اگر از شباهت عنوان برنامه «صندلی داغ» با سری برنامه های معروف «Hard talk» بگذریم، این برنامه تلویزیونی با الگوپذیری کامل از نمونه های مشابه خارجی ساخته شده که قصد دارند در قالب یک گفت وگوی پرچالش رودررو، تصویری متفاوت از شخصیت و منش درونی فرد گفت وگو شونده ارائه دهند. در این نوع برنامه ها که مجری علاوه بر کارکردهای معمول خود باید از قابلیت های فراوان دیگری مانند نکته سنجی، اطلاعات فراوان، بیان مناسب و . . . برخوردار باشد، معمولاً مهمانان به تناسب زمان و اتفاق خاصی انتخاب می شوند. صندلی داغ نیز بر همین مبنا در این دو سالی که از عمرش می گذرد، توانسته تا حدودی به الگوی ایرانی این نوع برنامه ها نزدیک شود. هر چند بنا به دلایل متعدد مانند روحیه به شدت اخلاق گرای ایرانیان و شرم و حیای پنهان آنها هیچ گاه صندلی داغ نتوانسته یک هارد تاک واقعی باشد اما در همین شکل فعلی جای خالی این گونه برنامه ها را در تلویزیون ایران پر کرده است. تعویض مجریان برنامه و رسیدن از داریوش کاردان تیزبین به احمد نجفی حراف در فاصله گرفتن از شکل اولیه این برنامه نقش مهمی ایفا کرده است، اما انتخاب مهمانان و فضای باقی مانده از قبل باعث شده صندلی داغ همچنان برنامه جذابی برای بینندگان کم حوصله این روزها باشد. در این میان علاقه مسئولان کشور برای حضور در این برنامه نوعی اعتماد متقابل را ایجاد کرده که بیش از همه به منعطف شدن برنامه انجامیده است. آنچنان که محمدباقر قالیباف از این برنامه دوماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری به عنوان یک تریبون انتخاباتی استفاده کرد. حالا در آستانه هفته دولت قرار است جمعی از وزرای کابینه مقابل احمد نجفی بنشینند. امشب محمدرضا اسکندری وزیر جهاد کشاورزی مهمان برنامه است و فردا مصطفی پورمحمدی وزیر شناخته شده وزارتخانه پرچالش و مهم کشور بر روی صندلی معروف می نشیند. برنامه ای که احتمالاً از قسمت های جذاب مجموعه خواهد بود و قرار است در دو قسمت ارائه شود. از کامران باقری لنکرانی به عنوان وزیر دیگری که در این برنامه حضور خواهد یافت یاد می شود.

۲- تلویزیون، سه شنبه شب یک بار دیگر برخورد بی رحمانه ای با سینمای ایران کرد و فیلمی را که برای نمایش عمومی در سینماها مجبور به تغییرات فراوانی شده بود، مجدداً جرح و تعدیل کرد و آنچنان در این زمینه راه افراط پیمود که صدای تمام علاقه مندان و پیگیران سینمای ایران را درآورد. کافه ترانزیت تولید طولانی ای را سپری کرده بود و در آخرین لحظات با اعمال تغییرات فراوان مجوز حضور در جشنواره بیست و سوم فجر را پیدا کرد. این تغییرات به شیوه ای بود که کل ساختار روایی فیلم را به هم زده بود و بیننده به ویژه در بخش های پایانی به درستی در جریان اتفاقات فیلم قرار نمی گرفت. در چنین شکلی نمایش عمومی فیلم در سال گذشته هم چندان موفقیت آمیز نبود و سازندگانش را که قصد تولید اثری مشترک با موضوع گفت وگو و ارتباط فرهنگ ها را داشتند، امیدوار به بازگشت سرمایه در خارج از کشور کرد. اما انتخاب فیلم برای نمایش در روز مبعث پیامبر اسلام(ص) از شبکه پربیننده سه بیش از همه تعجب برانگیز بود، چرا که با توجه به مضمون و نگرش فیلم درخصوص چالش زنان برای به دست آوردن حقوق خود در یک محیط سنت گرا و نیز پرداخت آن در نمایش عشق پنهان یک مرد خارجی به زن ایرانی می شد پیش بینی کرد که نمایش فیلم از تلویزیون چه حاصلی خواهد داشت. این اتفاق فراتر از پیش بینی ها افتاد و بسیاری از روابط و شخصیت ها از فیلم حذف شدند. ورود و خروج شخصیت دختر جوان اروپایی که در همان نسخه سینمایی ابهاماتی داشت در پخش تلویزیونی کاملاً مبهم شده بود و رابطه راننده تریلی یونانی با ریحان نیز بسیار کمرنگ تر از نسخه اولیه به نمایش درآمده بود. این حذف ها به گونه ای بود که به کلیت هنری فیلم هم آسیب رسیده بود و شکل تدوین خاص آن در قالب رفت و آمد به زنان گذشته و حال با حذف صحنه های کلیدی از بین رفته بود. به هر صورت تلویزیون در پخش اینچنین فیلم های ایرانی سابقه بدی دارد و مشخص نیست به چه دلیل با حساسیت بسیار بیشتری نسبت به آثار خارجی به ممیزی فیلم های ایرانی می پردازد. خسرو سینایی دو سال پیش در اعتراض به پخش پر از جرح و تعدیل عروس آتش اعلام کرده بود دیگر فیلم نمی سازد اما مانند موارد دیگر این گونه اعتراض ها به سرانجامی نرسید و ظواهر امر نشان می دهد این یادداشت های ما هم حاصلی ندارد. پس بهتر است وقت شما را هم زیاد نگیریم.

تجسمی

جایزه پرنس کلاوس برای رضا عابدینی

رضا عابدینی گرافیست مشهور کشورمان جایزه پرنس کلاوس که جایزه ای هلندی است را از آن خود کرد. بنیاد پرنس کلاوس این جایزه را برای «خلاقیت فردی ویژه رضا عابدینی در طراحی گرافیک و مهارت خاص اش در تطبیق دانش و پیشرفت های میراث هنری ایران» به او اهدا کرده است. رضا عابدینی ۳۹ ساله بیشتر به خاطر استفاده بدیع از حروف و خوشنویسی ایرانی در کار گرافیک شناخته شده است. برخی عقیده دارند که نوشته های روی جلد کتاب و پوسترهای عابدینی سخت خوان است. خود عابدینی روز گذشته با برنامه «مردم ایران سلام» که از شبکه دوم سیما پخش می شود گفت وگویی داشت و در آن نقل قولی از یکی از نویسندگان را به مزاح تعریف کرد. او از قول آن نویسنده گفت: «می دانید چرا ادبیات ما جهانی نمی شود؟ برای اینکه روی جلد کتاب ها را عابدینی می کشد.» اشاره آن نویسنده به ناخوانا بودن نوشته های روی جلد کتاب ها بوده است. شیوه بدیع عابدینی در استفاده از تایپوگرافی چنان مورد توجه بوده است که توانست واحدی به نام «تایپ فارسی و تصویر» را به دروس رشته گرافیک در دانشگاه تهران اضافه کند و خود مدرس آن شود. جایزه اصلی بنیاد پرنس کلاوس به مبلغ ۱۰۰ هزار یورو است و روز چهارشنبه ۱۳ دسامبر در آمستردام به عابدینی اهدا می شود. او پس از رخشان بنی اعتماد، بنیاد «جهان کتاب» و سیدابراهیم نبوی چهارمین ایرانی ای است که این جایزه را از آن خود کرده است. جایزه پرنس کلاوس از سال ۱۹۹۷ کارش را آغاز کرده است و از میان فعالان رشته های فرهنگی و هنری که در کشورهای آفریقایی، آسیایی، آمریکای لاتین و منطقه کارائیب هستند، کسانی را برمی گزیند. رضا عابدینی همچنین یکی از چهار ایرانی عضو انجمن بین المللی طراحان گرافیک است.

کرگدن نامه

نرود میخ آهنین در سنگ

سیدعلی میرفتاح

برادرم احسان تفرشی از تهران

یکی از رگ و ریشه های من و بخشی از تبار من به تفرشی برمی گردد که حضرت عالی منسوب به آنجا هستید. من البته جز یک بار، به شهر آبا و اجدادی خود پا نگذاشته ام و فرصت و مجالی دست نداده تا دوباره شرف حضور در شهر اهل فضل و دانش نصیبم گردد. اما همین قدر که از طرف پدری، همشهری و بلکه هم ولایتی مردان و زنان ادیب و بافضیلت و مومن هستم جای بسی افتخار و سربلندی است. بگذریم از اینکه شعرای نسل جدید، خیلی به انساب عنایتی ندارند و به تبارشناسی خیلی اهمیت نمی دهند. اما حقیقتاً «تبارشناسی» مهم است و اینکه رگ و ریشه آدم در چه جغرافیا و چه خانواده ای آب خورده باشد، اهمیت فراوان دارد، گرچه حرمت آبا و اجداد برای آدم فضیلتی به همراه نمی آورد. چنان که فرمود «گیرم پدر تو بود فاضل / از فضل پدر تو را چه حاصل». ضمن اینکه یک معنای نیایش هم به تبارشناسی و یادآوری نیاکان بازمی گردد که بگذریم. . . هرچه هست اگر گذارت به تفرش رسید، به بزرگان آن شهر برسان سلام ما را. اما درباره سئوالی که پرسیده ای، باید متواضعانه بگوییم که اولاً مرحمت فرموده مرا از این صفاتی که البته از سر بزرگواری به آنها متصف نموده اید، معذور بدارید و اجازه بدهید در همین مرتبت مس زنگار گرفته بی رنگ، کمافی السابق اقامت داشته باشم. ثانیاً کتاب خواندن تان را موکول به این نکنید که من یا باقی رفقای قلم به دست و کتابخوان، چه کتابی معرفی کنند. معرفی کردن کتاب مادام که جنبه رفاقتی داشته باشد و من از رفیقم توصیه ای برای خواندن فلان رمان بگیرم یا به رفیقم خواندن بهمان ترجمه را سفارش کنم و یا از خواندن قصه ای، چنان سر ذوق بیایم که همه را ترغیب به خواندنش کنم، یک معنا دارد و اگر جنبه رابطه معلمی و شاگردی پیدا کند یک جنبه دیگر - که من آن را نمی پسندم. حقیر فقیر سراپا تقصیر اعتقاد راسخ به مطالعات «غیرهدفمند» دارم و فکر می کنم هر کس بخواهد این غیرهدفمندی را در مسیری مشخص و حساب شده و با حساب و کتاب بیندازد، شیرینی و ملاحت مطالعه را می گیرد. رابطه دون خوان و کاستاندا که یادتان هست. این رابطه در هر موردی - مثل عرفان سرخپوستی یا سلوک از طریق مصرف حساب شده علف های روان گردان - جواب بدهد و کارآمد باشد، در مورد کتاب و کتابخوانی کار را خراب می کند. کتاب جزء روزی ما است که خوب و بدش را روزی رسان برایمان مقدر کرده. پس آن خود را بیاب و روزی خود را بخور که به قول حافظ «خون خوری گر طلب روزی ننهاده کنی».

خواهرم سمیرا رضایی منش از اصفهان

انتقاد شما بجا. از اینکه معترض این خلق بد قلندران شده ای، ممنون و متشکر. راستش را بخواهی، من هم، بعضی عادات و خلقیات این پیرمردان محترم و مهربان را نمی پسندم، اما چه کنم که نصیحت های مکرر من در آهن سردشان اثر نمی کند و همین یک بخش از روح و دلشان چنان سیاه و زنگار گرفته که وعظ مرا تاب نمی آورند و حتی انتقادهای پی درپی خوانندگان شرق را هم اعتنا نمی کنند. به فرموده شیخ اجل «نرود میخ آهنین در سنگ». اما در مواجهه با قلندران، بد نیست که پند لقمان حکیم را به کار بندیم که دور از جانشان، دور از جانشان، گفت ادب از که آموختی؟ گفت از بی ادبان. منظور من البته از بی ادبی همین یک مورد خاص است که مردانی با این درجه از کمالات و هنر و فضل را اسیر عادتی نموده که اولاً بوی این عادت شهر را پر کرده، ثانیاً موجبات زحمت و گرفت و گیر بنده و خودشان را فراهم کرده است. یک روز اگر نیروی انتظامی با این سگ های دوره دیده و دماغ های حساس به عطر شقایق های پرپر به سراغ آپارتمان شماره هفت مجتمع یاس بیاید، من که سکته اول را زده ام، یقین قلندران نیز سکته سوم - بلکه چهارم - را بزنند.

خواهرم مهشید صادقی از اراک

اولاً از لطف و مرحمتت ممنون. هم ممنون شما و هم ممنون پدر بزرگوارتان که امیدوارم، هرچه زودتر این مختصر کسالتشان برطرف شود. اما من باید یکی دو نکته را برادرانه خدمت شما عرض کنم. یکی اینکه این دنیای مجازی اینترنت و مکالمات و مکاتبات سرسام آور این شاهراه های شلوغ اطلاعاتی، همه چیز دنیا نیست و نباید که بیش از حد و اندازه خود را به آن مشغول کرد. به قول حضرت سعدی: «به خدا اطلس اگر وقتی التفات کنی / به قدر کن که نه اطلس کم است در بازار» و ثانیاً اینکه این دنیای مجازی، خیلی هم قابل اعتماد نیست. وقتی آدمی را با گوشت و پوست و استخوان و نفس، جلویت می بینی و به حرفی که از حنجره اش بیرون می آید، نمی توانی اعتماد کنی و فردا، به راحتی زیرش می زند، چطور می شود به عالم مجازی و دنیایی توهم آمیز، دل خوش کرد که حتی نمی دانی پشت این خطوط درهم و برهم سایبرنتیک چه موجودی، با چه مشخصه هایی نشسته است. . . نمی گویم بدبین باش، اما مراقب میزان اعتمادی که به کار می بندی باش. زیاده جسارت، ایام به کام. مخلص شما. پاسخگو

mirfattah@yahoo.com

مجله

«جهان کتاب» منتشر شد

شماره مرداد نشریه «جهان کتاب» در ۴۰ صفحه منتشر شد. «فهرست نویسی پیش از انتشار و . . .» عنوان مقاله آغازین این شماره است که در آن وضعیت کتابخانه ها و خدماتشان مورد بررسی قرار گرفته. «راهنمای ضوابط نسخه شناسی»، «شاهنامه پژوهی یا شبهه افکنی و معمانمایی شاهنامه» و «سیاست و دیانت در ایام ملی شدن صنعت نفت»